

ادبیات انقلاب باید انقلابی ساز باشد



غلامرضا بنی‌اسدی - ادبیات، فقط نقش بر دفتر نیست، برای این رقم نمی خورد تا کتابی فقط به قفسه کتابخانه ها اضافه شود و حالا گروهی آن را بخوانند، حتی نقد کنند و ... همین. ادبیات، حتی فقط به «زبان» کار ندارد تا کلمه تولید کند و کتاب لغات را فربه تر کند. ادبیات، هم به «زبان» کار دارد و هم به «صاحب زبان» و هم به «زمان» و هم به «زمین». ادبیات می خواهد با ایفای نقش خویش از قالب کلمه تا قلب مخاطب نفوذ کند و او را برانگیزاند. اگر به روزگاران کهن حکیمی فردوسی نام به شاهنامه سرایی برخاست، فقط برای شعر نبود این درست که خودش گفت

بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی

فردوسی در قالب کلام و «زبان» ما را با رستم آشنای کند و با مفهوم متعالی «چو ایران نباشد تن من مباد». از سیاوش بر ایمان می گوید که از آتش گذشته، نماد پاکی است و اشارت دهنده پاکیزگی، صلح خواهی که اگر تیغ هم بر کمر می بندد برای رسیدن به صلح شرافت مندانه است. ما با فردوسی، توس و رهام و اسفندیار و بهمن و گودرز و برزو و فرامرز و آرش و کاوه و ... را می شناسیم که هر کدام، نماد یک تفکر بودند و با این همه برای حراست از «وطن» یک نظر داشتند. و البته مادر شاهنامه، به ضرورت دشمن شناسی هم می رسید و ...

ادبیات فقط یک نام نبود در یک داستان. حکایت دشمنی بود و هست که هر روز به یک نام و یک نشان در می آید و هر کسی به سر بلندی خود، دین خویش و میهن اش فکر می کند در کنار خود شناسی، باید دشمن شناسی هم داشته باشد.

شاهنامه، یک دیوان شعر نیست، یک کتاب زندگی است، اصلاً ادبیات فراتر از زبان، باز ندگی سرو کار دارد و ادبیات انقلاب نیز باز ندگی انقلابی و فراتر از آن با تفکر انقلابی که مدام باید نیروی انقلابی سازد و ارزش های انقلاب پاسداری کند. نگاه دنیا هم به ادبیات نگاهی استراتژیک است و با آن از مرزها و حدود و ثغورها و منافع حراست می کند. امروزه نیز در این هموردی که کلمات و فریم های فیلم و تصاویر و پازل ها و بازی ها، جای مردان جنگی و تیغ و تیر را گرفته اند دست بالا را کسانی دارند که از همه ظرفیت های ادبیات خود، به هنر مندانه ترین شیوه بهره گیرند، این ظرفیت ها را توسعه دهند و با غنی سازی آن استعلائی خود را بر دیگر فرهنگ ها تحقق بخشند. ما نیز از این قاعده مستثنی نیستیم ما باورمند «الاسلام یعلمو ولا یعلی علیه» هستیم و «کلمه الله هی العلیا» را تابلوی اتاق خانه مان کرده ایم تا این باور را به ملکه توانستن هم تبدیل کنیم.

پس باید ادبیات را، ادبیات انقلاب را جدی بگیریم، باید این ادبیات در خدمت گفتمان انقلاب چنان قوی عمل کند که «حرف حق» ما بر مدار «جادلهم بالتی هی احسن» جهان گیر شود که صدور انقلاب نیز نه با صدور جنگ افزار و جنگجو، که با ارائه مدل برتر زندگی است و ما می خواهیم، چشم جهان را به «ولکم فی رسول الله اسوة حسنه» روشن کنیم. می خواهیم زیبایی های تمدن اسلامی - ایرانی را از طریق گفت و گو به همه آنانی که توان منصفانه دیدن و عاقلانه عیار سنجی کردن دارند عرضه کنیم. می خواهیم فرصت حظ و بهره بردن همه آدمیان از این سرمایه بزرگ فراهم شود. ما باور داریم «منافع ملی» ما با به سعادت رسیدن همگان گره خورده است و برای این هم تلاش می کنیم مثل یک مجاهد، یک سرباز در جبهه ای که یمن و یسار ش را ادبیات و هنر شکل داده است، از ادبیات انقلاب و دفاع مقدس، تا ادبیات دینی و ملی که هویت ما را رقم زده است تا هنر متعالی که رسالت روح بخشی به رفتار آدمیان را دارد و ... ادبیات می خواهد انسان ساز باشد و ادبیات انقلاب، می خواهد از احاد جامعه، انسان های انقلابی بسازد، انسانی که هم نگاهش، هم گفتارش و هم رفتارش انقلابی باشد پس ادبیات یک حوزه را هبردی است و توجه را هبردی هم می طلبد، بودجه را هبردی نیز هم ...

ادبیات داستانی روبه رشد



محسن پرویز در دوره ای معاون فرهنگی وزیر ارشاد بود، ضمن اینکه در حوزه داستان هم صاحب آثاری است او به پرستی از ما درباره ادبیات داستانی انقلاب کوتاه پاسخ گفت.

«پیش از انقلاب در حوزه داستان بزرگسال، آثار خوب و قابل توجهی داشتیم. آثاری که به لحاظ فنی، آثار قابل تاملی بودند. البته حجم این آثار زیاد نبود چون تعداد نویسندگان ما هم زیاد نبودند اما آثار خوب و قابل تاملی داشتیم با این اوصاف، در زمینه داستان کودک و نوجوان ضعیف تر بودیم و آثار فنی و قابل تاملی پیش از انقلاب نداشتیم. بعد از انقلاب اولین جهشی که در ادبیات به چشم آمد، در حوزه ادبیات کودک و نوجوان بود و اگر به گذشته برگردیم و آثاری را که در دهه ۶۰ و ۷۰ منتشر شده، با آثار فعلی، مقایسه کنیم؛ می بینیم که مجموعه شعرهای بسیار ارزشمند و داستان های خوبی برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته شده است ولی تقریباً از اواسط دهه ۷۰ این آثار روبه نزول گذاشت و آثار تلفیقی مان در این حوزه به جای این که رشد کند، هم از لحاظ کمی و هم به جهت کیفی در حد آثار قبلی نبود و به نوعی به عقب باز گشتیم در حالی که توقع این بود تا این رشد ادامه داشته باشد. یکی از مقولاتی که در حوزه بزرگسال بعد از انقلاب، رشد قابل توجهی داشت و نویسندگان به صورت ویژه روی آن کار کردند، ادبیات جنگ بود. در واقع به واسطه جنگ، ادبیات دفاع مقدس به وجود آمد و در پی آن هم در چند سال اخیر، ادبیات انقلاب رشد چشمگیری داشت. البته آن چهره ادبیات جنگ رخ داد، یک اتفاق کم نظیر بود که شاید در هیچ جای دنیا هم نمونه اش نیست و به نوعی یک گونه جدید ادبی از این دست محسوب می شود، که صرف خاطر نویسی نیست بلکه خاطراتی که جنبه های داستانی هم پیدای کند. در واقع یک نفر به عنوان مصاحبه کننده، با صاحب خاطره گفت و گومی کند و بعد آن را به شکل خواندنی و جذاب تنظیم می کند که چنین مواردی؛ زاردر سال های اخیر شاهد بودیم و مورد استقبال مخاطبان هم واقع شده است. از جمله این آثار می توان به کتاب «بابانظر»، «دا» و «پایی که جاماند» اشاره کرد و کتاب هایی از این دست که بیشتر هم منتشر شده بودند، ضمن این که پیش از آن هم یک سری کتاب مثل «دسته یک» و مجموعه هایی دیگر هم منتشر شده بود که البته در این دست کتاب ها، اتفاقات با یک نظم منطقی در کنار هم چیده شده بودند و موجب انتشار کتاب هایی خواندنی شده بودند. در حوزه داستان کوتاه و در بخش بزرگسال در سال های اخیر، رشد چندان خوبی نداشتیم و گرایش به این سمت کمتر شده اما در حوزه رمان هم آثاری آفریده شده است و در مجموع، در ادبیات مانسبت به پیش از انقلاب؛ جهت گیری خاصی ایجاد شده است که روبه رشد بوده البته همراه بافت و خیزهایی هم بوده است و باید کاری کنیم که جلوی این افت و خیزها را بگیریم و اجازه بدهیم که این افت و خیزها ادامه پیدا کند.»